

تأثیر سپرده‌ها و تسهیلات بانکی بر نابرابری درآمد در استان‌های ایران

عباس علوی راد*

محمد حسن وکیلی زارچ**

جلیل توتونچی***

محمد علی دهقان تفتی****

DOI: 10.22096/esp.2022.136462.1413

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

یکی از وظایف مهم در حوزه وظایف دولت‌ها در هنگام مداخله در نظام‌های اقتصادی، تلاش برای توزیع مناسب‌تر درآمدها در میان اقشار مختلف جامعه است. توسعه سیستم مالی از دو مسیر می‌تواند بر این فرایند تأثیرگذار باشد. یکی از این راه‌ها از طریق تأثیرگذاری سیستم مالی بر رشد اقتصادی و چگونگی توزیع آن میان کارگزاران اقتصادی است. علاوه بر این توسعه مالی به لحاظ چگونگی ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری برای اقشار مختلف جامعه امکان تأثیرگذاری بر شیوه توزیع درآمدها را خواهد داشت. هدف مطالعه کنونی بررسی چگونگی کارکردهای سیستم بانکی از ابعاد تسهیلات و سپرده‌گذاری بر توزیع نابرابری درآمد بر استان‌های ایران بوده است. بدین منظور در مطالعه حاضر از رگرسیون‌های کوانتایل به عنوان یک روش مناسب در حوزه تخمین مدل‌های نابرابری درآمد استفاده شده است. نتایج طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ برای ۳۱ استان ایران نشان داد مانده تسهیلات اعطایی و سپرده‌های بانک‌ها در تمام دهک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی داشته است.

واژگان کلیدی: نابرابری درآمد؛ تسهیلات اعطایی بانک‌ها؛ سپرده‌های بانکی؛ درجه بازبودن تجاری؛ پل کوانتایل.

طبقه‌بندی موضوعی: O11, J21, G21, C21

* دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) Email: alavi_rad@yahoo.com

** دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. Email: Vakili2009@gmail.com

*** استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. Email: ja.totonchi@yahoo.com

**** استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. Email: pejoresh.dehghan@yahoo.com



۱. مقدمه

مسئله نابرابری درآمدی و توزیع درآمد یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در حوزه اقتصادی در تمام جوامع از دیرباز بوده است. در سالیان اخیر توسعه مالی و تبعات ناشی از آن و توزیع نابرابری درآمدها نیز یکی از چالش‌های جدی بوده و مورد توجه محققان اقتصادی قرار گرفته است. از آنجاکه یکی از اهداف مهم دولت و حضور و مداخله آنها در اقتصاد کمک به کاهش نابرابری درآمد و بهبود درآمدها است، این موضوع در رابطه با شناسایی عوامل مؤثر بر توزیع نابرابری درآمد برای همه اقتصادهای دنیا یک موضوع پراهمیت تلقی می‌شود.

ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با نابرابری درآمد مواجه بوده است؛ اما بررسی‌های آماری نشان می‌دهد نابرابری درآمدی در ایران نسبت به کشورهای منطقه و سایر کشورها چه از بعد منطقه‌ای و چه از بعد مقایسه با کشورها در وضعیت نسبی بهتری قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در دهه ۱۳۹۰ همزمان با تحولات اقتصاد در جنبه‌های مختلف به‌ویژه رشد اقتصادی منفی و پرنوسان و برخی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، نابرابری درآمد رو به گسترش بوده است. اگرچه از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، نابرابری درآمد از سال ۱۳۸۹ کاهش معناداری را با ضریب جینی نشان داد، اما همزمان از سال ۱۳۹۱ به بعد و پیامدهای تورمی آن طرح، باعث شد ضریب جینی گسترش پیدا کند، به طوری که از سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۷، به‌طور متناوب ضریب جینی در مناطق شهری ایران افزایش پیدا کرده است. گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد ضریب جینی از ۰/۳۵ در سال ۱۳۹۲ به ۰/۳۹ در سال ۱۳۹۷ افزایش پیدا کرده است.

بنابراین همزمان با افزایش ضریب جینی در سال‌های دهه ۱۳۹۰ این مخاطره ایجاد شده است که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در حوزه کاهش نابرابری درآمدی و بهبود توزیع درآمد نسبت به کشورهای منطقه در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در شناسایی عوامل مؤثر در توزیع نابرابری درآمد و نابرابری درآمدی تا کنون در بعد بین‌المللی مطالعات متعددی صورت گرفته و بعضاً عواملی در این جهت شناسایی شده‌اند. به دلیل همین تحولات و سایر عوامل تأثیرگذار، موضوع نابرابری درآمدی به‌ویژه نابرابری ناشی از توسعه مالی به یکی از چالش‌های جدی دولت تبدیل شده است. استدلال‌های تجربی زیادی در مورد

تأثیر توسعه مالی و توزیع درآمد وجود دارد که نشان‌دهنده افزایش یا کاهش نابرابری درآمد شده است.^۱

در این مطالعه بر اساس مبانی نظری و سوابق بین‌المللی و شواهد موجود اقتصاد ایران به بررسی تأثیرگذاری کارکردهای بازار پول از منظر بانک‌ها بر روی نابرابری درآمدی و توزیع نابرابری پرداخته می‌شود؛ زیرا بانک‌ها با فراهم‌آوردن سرمایه مالی بر روی بخش‌های اقتصادی، شرایط مناسبی برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورند و باعث افزایش اشتغال و تولید ملی می‌شوند. بانک‌ها با تأمین اعتبار برای متخصصان می‌توانند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و توزیع بهتر درآمد در سطح جامعه شوند.^۲ اگرچه در سال‌های اخیر هم در داخل ایران و هم در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، پدل‌های متنوعی درباره تأثیر توسعه مالی بر روی نابرابری درآمدی انجام شده است، مطالعات کمتری در حوزه داخل کشور و در پدل بین استان‌ها و به‌طور مشخص کارکرد بانک‌ها صورت گرفته است که این مطالعه گامی در جهت این خلأ تحقیقاتی است.

مقاله حاضر مشتمل بر پنج بخش است. بخش دوم به مطالعات ادبیات موضوع پرداخته است. بخش سوم به مرور مطالعات انجام‌شده و نوشتارهای تجربی در زمینه فاکتورهای عملکردی بانک‌ها و نابرابری درآمدی اختصاص دارد. در بخش چهارم، روش تحقیق (روش‌شناسی تحقیق

1. Gazi Salah Uddin, "Financial Development and Poverty reduction nexus: A cointegration and causality analysis in Bangladesh", *Economic Modeling*, no. 36 (January 2014): 405-412; Oliver Denk, and Boris Cournède, "Finance and income inequality in OECD countries", *OECD Economics Department Working Paper* 42 (January 2015): 1-41; Alexandra D'Onofrio, Raoul Minetti, and Pierluigi Murro, "Banking development, socioeconomic structure and income inequality", *Journal of Economic Behavior & Organization* 157 (January 2019): 428-451; Dong-Eun Rhee, and Hyoungjong Kim, "Does income inequality lead to banking crises in developing countries? Empirical evidence from cross-country panel data", *Journal of Policy Modeling* 41, no. 6 (March 2019): 1043-1056; Tuomas Malinen, "Does income inequality contribute to credit cycles?", *Economics Letters* 134 (September 2013): 65-68; Zeynab, Sedghi Moradi, Mohammadreza Mirzaeenejad, and Gholamreza Geraeenejad, "Effect of Bank-Based or Market-Based Financial Systems on Income Distribution in Selected Countries, 1st International Conference on Applied Economics and Business, ICAEB 2015", *Procedia Economics and Finance* 36 (December 2016): 510-521

نادر مهرگان، و مهدی خوش‌اخلاق، «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۱۶ (۱۳۹۵): ۱۱۹-۱۹۳.

۲. یدالله دادگر، و زهرا نیک‌نعمت، «کاربرد مدل EDA در ارزیابی کارایی واحدهای اقتصادی، مطالعه موردی سرپرستی بانک تجارت»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی* ۴، شماره ۷ (بهار و تابستان ۱۳۸۶): ۱۵.

شامل مدل، داده‌ها و روش‌شناسی اقتصادسنجی) معرفی شده‌اند. برآورد پارامترهای مدل در بخش پنجم بررسی شده و در قسمت پایانی نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲. ادبیات موضوع

ادبیات زیادی در مورد توسعه مالی و نابرابری مالی وجود دارد.^۳ بعد از مطالعه پیشگامانه کوزنتس^۴ (1995) در مورد نابرابری، بعضی از اقتصاددانان کلاسیک بر این نکته اصرار ورزیدند که نابرابری مالی می‌تواند منابع را به سمت عواملی با پس‌انداز زیاد هدایت کند و انباشت سرمایه و رشد را نیز شدت بخشد.^۵ در دهه ۱۹۹۰ بعضی از مطالعات به ترسیم مدل صریح رابطه میان امور مالی و نابرابری درآمد پرداختند. مطالعات متعدد نشان داد توسعه مالی می‌تواند نابرابری مالی و فقر را به وسیله تقلیل ناهنجاری‌های اطلاعاتی و هزینه‌های به‌کارگیری سرمایه کاهش دهند. از طرفی می‌تواند افراد و شرکت‌های فقیر را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثروتمند و منابع مالی قابل التزام مرتبط سازد و توسعه بازارها و واسطه‌های مالی به کاهش نابرابری درآمد کمک می‌کند.^۶ از طرفی تأثیر نقصان بازار مالی مانع از تخصیص کارآمد منابع به فقرا برای انجام سرمایه‌های انسانی و سرمایه جسمی می‌شود و این نشان‌دهنده آن است که توسعه مالی به بهبود نابرابری درآمد کمک می‌کند.^۷

شومپتر^۸ (1911) بیان می‌کند بانک‌های کارآمد از طریق شناسایی و تأمین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس را برای تولید محصولات جدید و اجرای طرح‌های ابتکاری دارند، می‌توانند موجب نوآوری تکنولوژیکی شوند. در سیستم‌های مالی مبتنی بر بانک، بانک‌ها نقش اصلی را در پس‌انداز، تخصیص سرمایه، نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران بنگاه‌ها و ارائه ابزارهای مختلف برای مدیریت ریسک دارند؛ زیرا بانک‌ها یک بازار مالی رسمی و سازمان‌یافته

3. Unal Seven, and Yener Coskun, "Does financial development reduce income inequality and poverty? Evidence from emerging countries", *Emerging Markets Review* 26 (February 2016): 34.

4. Kuznets.

5. Arthur R. William Lewis, "Economic development with unlimited supplies of labor", *Manchester School* 22 (January 1954): 139.

6. Oded Galor, and Joseph Zeira, "Income distribution and macroeconomics", *The Review of Economic Studies* 60, no. 1 (1993): 35.

7. Philippe Aghion, and Patrick Bolton, "A theory of trickle-down growth and development", *Review of Economic Studies* 64 (January 1997): 151.

8. Schumpeter.

هستند که وجوه را از افراد و واحدهایی که منابع مالی اضافی دارند، به افراد و واحدهایی که به منابع مالی (صندوق) نیاز دارند، منتقل می‌کنند. بازارهای مالی راه‌های لازم برای انتقال پس‌انداز از اشخاص حقیقی یا حقوقی را به اشخاص دیگری که فرصت‌های سرمایه‌گذاری خلاق را دارند و به منابع مالی نیاز دارند، تسهیل می‌کنند؛^۹ اما در سیستم‌های مالی مبتنی بر بازار، بازارهای مالی درباره تخصیص سپرده و پس‌انداز به بنگاه‌ها و تسهیلات فرایند مدیریت ریسک با بانک مشارکت می‌کند.

تئوری‌های جدید نیز تأکید می‌کنند نقش واسطه‌ای مؤسسات مالی، نامتقارنی اطلاعات را بین پس‌اندازکنندگان و وام‌گیرندگان از بین می‌برد و بدین ترتیب با استفاده از کارکردهای مختلف پس‌اندازها، تخصیص موجودی سرمایه و مدیریت ریسک بر روی رشد اقتصادی تأثیر گذاشته است.^{۱۰} این رشد اقتصادی ناشی از توسعه مالی بر نابرابری درآمدی تأثیر خواهد داشت.^{۱۱} برخی اقتصاددانان به این موضوع اشاره دارند که دسترسی بیشتر به اعتبارات، شرط کافی برای کاهش نابرابری نیست؛ از این رو بر توزیع مجدد درآمد تأکید دارند.^{۱۲} توسعه مالی از دو کانال رشد اقتصادی (افزایش درآمد) و توزیع درآمد (اعطای اعتبارات) بر فقر تأثیرگذار است. توسعه مالی می‌تواند با کاهش محدودیت‌های اعطای اعتبارات، موجب افزایش تخصیص آن به افراد با درآمد بیشتر و به تبع آن تخصیص کمتر به افراد کم‌درآمد شود. هرچه بازارهای مالی رقابتی‌تر باشند، دسترسی به اعتبارات آسان‌تر و بیشتر خواهد بود.^{۱۳}

گرین وود و جووانیچ^{۱۴} نشان دادند تعامل توسعه مالی و اقتصادی باعث ایجاد یک رابطه U شکل معکوس بین توسعه مالی و اقتصادی می‌شود که رشد باعث افزایش نابرابری در مراحل اولیه توسعه می‌شود و در مراحل بعدی کاهش می‌یابد. از این دیدگاه واسطه‌های مالی،

9. Sedghi Moradi, et al, "Effect of Bank-Based or Market-Based Financial Systems", 510.

10. Ross Levine, "Finance and growth: Theory and evidence", *Handbook of Economic Growth 1* (January 2005): 865.

۱۱. خسرو پیرائی، و نفیسه بلیغ، «رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ۱۵ (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴): ۱۰.

12. Martin Ravallion, "Growth, Inequality and Poverty: Looking beyond Average", *World Development* 29, no. 11 (November 2001): 1803.

13. Raghuram Rajan, and Luigi Zingales, "The great reversals: the politics of financial development in the twentieth century", *Journal of Financial Economics* 69, no. 1 (July 2003): 5.

14. Jeremy Greenwood, and Boyan Jovanovic, "Financial development, growth, and the distribution of income", *Journal of Political Economy* 98, no. 5 (February 1990): 1076-1107.

اطلاعاتی در مورد طرح‌ها فراهم می‌کنند؛ اما آنها را با هزینه‌های ثابت در دسترس قرار می‌دهند. در مراحل اولیه توسعه، تنها افراد ثروتمند می‌توانند این هزینه ثابت را پرداخت کنند؛ بنابراین توسعه مالی باعث بدتر شدن نابرابری درآمد می‌شود. همگام با توسعه اقتصادی، نظام مالی نیز در دسترس عموم افراد قرار می‌گیرد. با این حال، مطالعات بانرجی و نیومن^{۱۵} و همچنین مطالعات گالور و زیرا^{۱۶} بیان می‌کنند که این نابرابری با افزایش توسعه مالی به‌طور خطی کاهش می‌یابد. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که تأثیر نقصان بازار مالی مانع از تخصیص کارآمد منابع به فقرا برای انجام سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های فکری می‌شود و این نشان‌دهنده آن است که توسعه مالی به بهبود نابرابری تئوری مدل‌های نظری بر به‌کارگیری کانال‌های مختلف جهت کاهش نابرابری تأکید کرده‌اند.

۳. پیشینه تحقیق

کاناویرو و روجا^{۱۷} در مطالعه‌ای تحت عنوان توسعه مالی و توزیع درآمد در آمریکای لاتین و کارائیب با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی به بررسی توسعه مالی و توزیع درآمد پرداخته‌اند. در این مطالعه تمام دهک‌ها (بیستک‌های) درآمدی در نظر گرفته شده است. اعتبارات تخصیص‌یافته به بخش خصوصی را به عنوان شاخص توسعه مالی در نظر گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نه تنها توسعه مالی سبب رشد اقتصادی می‌شود، بلکه سبب بهبود توزیع درآمد نیز می‌شود و درآمد تمام دهک‌های درآمدی به‌خصوص دهک آخر (فقیر) را افزایش می‌دهد. همچنین این مطالعه نظر گرینوود را مبنی بر اینکه اثر مثبت فقط زمانی اتفاق می‌افتد که کشور در یک آستانه اقتصادی معینی قرار گرفته باشد، تأیید می‌کند.

دنوفریو و مارو^{۱۸} در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین توسعه بانک‌های محلی و نابرابری درآمدها در منتخبی از شهرهای ایتالیا با استفاده از پنل دیتا طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰

15. Abhijit Banerjee, and Andrew F. Newman, "Occupational choice and the process of development", *Journal of political economy* 101, no. 2 (February 1993): 274-298.

16. Galor, and Zeira, "Income distribution and macroeconomics", 35-52.

17. Gustavo Canavire-Bacarreza, and Felix Rioja, "Financial development and the distribution of income in Latin America and the Caribbean", *Discussion Paper Series*, no. 3796 (November 2008).

18. Alexandra D'Onofrio, and Pierluigi Murro, "Local banking development and income distribution across Italian provinces", *International Journal of Economics and Finance* 4, no. 3 (November 2013): 58-71.

تأثیر سپرده‌ها و تسهیلات بانکی بر نابرابری درآمد در استان‌های ایران / علوی راد و ... ۱۹۵

پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین توسعه بانک‌های محلی و نابرابری درآمدها در شهرهای گوناگون کشور ایتالیا ارتباط معناداری وجود دارد و توسعه بانک‌های محلی باعث کاهش نابرابری درآمدی در شهرهای کشور ایتالیا طی دوره مورد مطالعه شده است.

صلاح الدین و همکاران^{۱۹} در مطالعه‌ای تأثیر توسعه مالی بر فقر در بنگلادش را بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از به‌کارگیری الگوی خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی^{۲۰} همراه با شکست ساختاری در دوره ۲۰۱۱-۱۹۷۵ نشان می‌دهد رابطه‌ای بلندمدت میان توسعه مالی، رشد اقتصادی و فقر در بنگلادش وجود دارد و باعث کاهش فقر می‌شود.

مالینین^{۲۱} در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تسهیلات بانک‌ها و نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه‌یافته طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۵۹ پرداخت. محقق با استفاده از مدل پنل دیتا و آزمون علیت گرانجری به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش مبادرت ورزید. نتایج پژوهش نشان داد بین تسهیلات بانکی و نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه‌یافته همبستگی بلندمدت وجود دارد.

دنک و کورناد^{۲۲} در پژوهشی به بررسی اثرهای سیاست مالی بر نابرابری درآمدی در کشورهای OECD طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۱ پرداختند. آنها به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل پنل دیتا استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که سیاست‌های مالی از قبیل تسهیلات اعطاشده توسط بانک‌ها تأثیر معناداری بر نابرابری درآمدی در کشورهای OECD داشته است.

صدقی مرادی و همکاران^{۲۳} در مطالعه‌ای به بررسی اثرات سیستم‌های مالی مبتنی بر بازار و سیستم مبتنی بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های ۱۵ کشور توسعه یافته و در حال توسعه پرداختند. محققان ابتدا با روش FMOLS و سپس با استفاده از داده‌های تابلویی و روش OLS به تخمین مدل در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که نوع سیستم مالی بر توزیع درآمد تأثیر دارد. سیستم مبتنی بر بازار منجر به افزایش توزیع درآمد در کشورهای

19. Uddin, "Financial Development and Poverty reduction", 405-412.

20. ARDL.

21. Malinen, "Does income inequality contribute to credit cycles?", 65-68.

22. Denk, and Cournède, "Finance and income inequality in OECD countries", 1-41.

23. Sedghi Moradi et al, "Effect of Bank-Based or Market-Based Financial Systems", 510-521.

توسعه یافته می‌شود، در حالی که سیستم مالی مبتنی بر بانک نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد.

آلتنباس و ترنتن^{۲۴} در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر توسعه مالی بر روی نابرابری درآمد بر روی پنبلی از ۱۲۱ کشور می‌پردازند. نتایج حاکی از آن است که نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا افزایش می‌یابد و در کشورهای با درآمد متوسط نابرابری درآمد کمتر افزایش می‌یابد.

کاواپا و شیجین^{۲۵} در مطالعه‌ای به بررسی توسعه اقتصادی، توسعه مالی و نابرابری درآمدی با استفاده از مدل پویا نامتعادل^{۲۶} پرداختند. مطالعه آنها در ۸۵ کشور در چند گروه نامتعادل که شامل ۲۸ کشور با درآمد بالا، ۴۱ کشور با درآمد متوسط و ۱۶ کشور با درآمد کم است، در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۴ بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که هیچ دلیل مشخصی که بتواند توسعه اقتصادی را همراه با رشد اقتصادی، رشد دهد و مشکل نابرابری درآمدی را کاهش دهد، وجود ندارد.

دونوفیرو و همکاران^{۲۷} در مطالعه‌ای به بررسی توسعه بانکی، ساختار اقتصادی و درآمدزایی در بازارهای محلی استان‌های کشور ایتالیا در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۱ با استفاده از داده‌های تابلویی و روش OLS و 2SLS پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که توسعه بانکی می‌تواند با تأثیرپذیری بر تحرک جغرافیایی و شهرنشینی، نابرابری درآمدی را کاهش دهد، در حالی که توسعه زیرساخت‌های مادی و سرمایه انسانی تأثیر اندکی بر نابرابری درآمدی دارد.

هیشن و همکاران^{۲۸} در مطالعه‌ای به بررسی ساختار مالی، رقابت بانک و نابرابری درآمدی در پنبلی از ۸۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه با استفاده از تکنیک DOLS و FMOLS و CCEMG و Dynamic CCEMG در دوره ۲۰۱۴-۱۹۸۹ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد نابرابری درآمد با عمیق‌تر شدن ساختار مالی افزایش می‌یابد؛ اما با یک سیستم مالی مبتنی بر

24. Yener Altunbas, and John Thornton, "The impact of financial development on income inequality: A quantile regression approach", *Economics Letters* 175 (December 2018): 51-56.

25. Balakrishnan Kavya, and Shijin Santhakumar, "Economic development, financial development, and income inequality nexus", *Borsa Istanbul Review* 20, no. 1 (January 2019): 214-250.

26. GMM.

27. D'Onofrio, and Murro, "Local banking development", 58-71.

28. Joyce Hsieh, Ting-Cih Chen, and Shu-Chin Lin, "Financial Structure, Bank Competition and Income Inequality", *The North American Journal of Economics and Finance* 48 (March 2019): 450-466.

بازار کاهش بیشتری می‌یابد. همچنین تمرکز بیشتر، رقابت کمتر در بخش بانکداری، نابرابری درآمد را تقویت می‌کند.

دهمده و شکری^{۲۹} در مطالعه‌ای به آثار توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی^{۳۰} در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۲ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد توسعه مالی نابرابری درآمد را در ایران کاهش می‌دهد.

اشرفی‌پور^{۳۱} در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثرات توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران در دوره ۱۳۸۸-۱۳۵۰» به روش حداقل مربعات معمولی می‌پردازد. نتایج حاصل از مدل‌سازی داده‌ها و اطلاعات آماری حاکی از آن است که توسعه مالی از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی در ایران توانسته است باعث کاهش فقر و نابرابری درآمد شود. همچنین آزادسازی تجاری، افزایش مخارج دولتی دولت و افزایش نرخ تورم باعث افزایش فقر در این دوره شده است.

جبری خسروشاهی و همکاران^{۳۲} در پژوهشی به بررسی اثر توسعه مالی بر روی ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری درآمد، در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۷، با استفاده از روش الگوی خود توضیحی با وقفه‌های گسترده^{۳۳} پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که ارتباط توسعه مالی و ضریب جینی مثبت و کاهنده است که مطابق با فرضیه گرینوود و جوانوایس^{۳۴} است. ارتباط تولید ناخالص داخلی سرانه و ضریب جینی نیز مثبت و کاهنده بوده است. همچنین سرمایه انسانی اثر منفی و تورم اثر مثبت روی ضریب جینی دارد. آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ نیز نشان دادند که ضرایب تخمینی در طول دوره مورد مطالعه با ثبات هستند.

۲۹. نظر دهمده، و زینب شکری، «اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۸، شماره ۵۴ (تابستان ۱۳۸۹): ۱۴۷-۱۶۴.

30. ARDL.

۳۱. محمدعلی اشرفی‌پور، «اثرات توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمدی در ایران»، اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت (۱۳۹۱): ۲۴-۳۳.

۳۲. نسیم جبری خسروشاهی، محمدرضا محمدوند ناهیدی، و داود نوروزی، «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی، ۲، شماره ۶ (۱۳۹۱): ۱۷۳-۲۰۸.

33. ARDL

34. Greenwood, and Jovanovic, "Financial development", 1076-1107.

پیرائی و بلیغ^{۳۵} در مطالعه‌ای به بررسی رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران با استفاده از رویکرد آزمون کرانه‌ها و داده‌های سالیانه سری زمانی طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۸۹ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که یک رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و نابرابری درآمد وجود دارد و توسعه مالی به طور معنادار نابرابری در آمد در ایران را کاهش داده است.

دیزجی و آهنگری گرگری^{۳۶} در مطالعه‌ای به تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج حاکی از آن است که منحنی U معکوس را برای متغیرهای توسعه مالی و درآمد سرانه تأیید شده است. افزایش نهادها و مؤسسات مالی در نهایت موجب کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد.

مهرگان و خوش‌اخلاق^{۳۷} در مطالعه‌ای اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران را با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۳ و روش مدل همبسته با وقفه‌های توزیعی بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر بهبود توزیع درآمد معنادار است.

افشاری و بیک‌زاده^{۳۸} در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی و فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ با روش ARDL پرداخته‌اند. نتایج نشان داد در بلندمدت، توسعه مالی، نابرابری درآمد در اقتصاد ایران را کاهش داده است. اثر درآمد سرانه بر توزیع درآمد مطابق با نظریه U معکوس کوزنتس است. همچنین با افزایش تورم، ضریب جینی افزایش و توزیع درآمد نابرابرتر می‌شود. شاخص توسعه مالی که از ترکیب شاخص‌های نسبت سهام مبادله‌شده به تولید ناخالص داخلی و شاخص نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به دست آمده است، باعث کاهش نابرابری درآمدی و فقر می‌گردد.

۳۵. پیرائی، و بلیغ، «رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران»، ۱۰-۲۱.

۳۶. منیره دیزجی، و محدثه آهنگری گرگری، «تأثیر و توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه اقتصادی و مالی توسعه ۹، شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۳۳-۱۰۴.

۳۷. مهرگان، و خوش‌اخلاق، «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، ۱۱۹-۱۹۳.

۳۸. زهرا افشاری، و سمانه بیک‌زاده، «توسعه مالی، نابرابری درآمدی و فقر در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت دانشگاه الزهراء، شماره ۱ (پیاپی ۱۴) (بهار ۱۳۹۶): ۲۸-۹.

علیقلی^{۳۹} در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر تسهیلات بانکی به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۰ با استفاده از روش VAR پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد تسهیلات بانکی و درآمد سرانه اثر مثبت و نرخ تورم اثر منفی بر توزیع درآمد در کشور ایران در دوره مورد مطالعه داشته است.

ایزدخواستی^{۴۰} در مطالعه‌ای تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران را با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک^{۴۱} و تجزیه واریانس^{۴۲} در دوره ۱۳۹۷-۱۳۶۳ بررسی کرده است. نتایج توابع عکس‌العمل تحریک نشان می‌دهد وقوع یک شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه اعتباری غیربانکی، تا یک نیم دوره باعث افزایش نابرابری و پس از آن تا دور دهم باعث کاهش نابرابری شده است، هرچند کاهش در نابرابری درآمدی ناچیز بوده است. همچنین نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد سهم لگاریتم تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی ۵/۳ درصد بوده است.

مولانا و همکاران^{۴۳} به بررسی نقش توسعه مالی در کاهش فقر ایران با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی^{۴۴} با استفاده از مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی^{۴۵} پرداختند. نتایج بیانگر این بود که متغیر توسعه مالی اثر منفی و معنی‌داری بر فقر داشته است؛ به عبارتی بهبود در وضعیت توسعه مالی منجر به کاهش فقر در جامعه می‌شود. ضریب مربوط به توان دوم شاخص توسعه مالی منفی و معنی‌دار است که بیانگر این موضوع است که رابطه U معکوس در مورد توسعه مالی و شدت فقر در ایران وجود دارد.

با توجه به پیشینه‌های تحقیق، مطالعه حاضر به لحاظ متغیرها، شیوه اقتصادسنجی و قلمرو

۳۹. منصوره علیقلی، «تأثیر تسهیلات بانکی اعطاشده به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد ایران»، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۹، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۶): ۶۷-۸۳.

۴۰. حجت ایزدخواستی، «تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۴، شماره ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۳۹۷): ۳۰-۵۰.

41. IRF.

42. VD.

۴۳. سیدمسیح مولانا، و دیگران، «نقش توسعه مالی در کاهش فقر ایران با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)»، *نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۱، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۲۷-۱۵۸.

44. PCA.

45. ARDL.

مکانی تحقیق با مطالعات قبلی دارای ابعاد جدیدی است؛ برای مثال به طور مشخص در این تحقیق از داده‌های پنل ۳۱ استان استفاده می‌شود و از تخمین‌زننده پنل کواتنیل که قابلیت ویژه‌ای در مطالعات توزیع درآمد وجود دارد، استفاده شده است.

۴. روش‌شناسی تحقیق

۴-۱. مدل تحقیق

در زمینه مطالعات تجربی میان توسعه مالی و نابرابری درآمد در سالیان اخیر می‌توان به مطالعات بنرجی و نیومن^{۴۶} و کلارک و همکاران^{۴۷} اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد ضریب جینی به عنوان یکی از شناخته‌ترین معیارهای نابرابری درآمد، به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است.^{۴۸} از سوی دیگر برای ارزیابی چگونگی توسعه مالی بر نابرابری درآمد نیز محققان متغیرهای متنوعی را در نظر گرفته‌اند. عمده متغیرهای مورد نظر در سیستم مالی بر نابرابری درآمد شامل سیاست‌های مالی، تسهیلات اعطایی بانک‌ها، اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی، نسبت سرمایه بازار سهام به تولید ناخالص داخلی بوده است.^{۴۹} از سوی دیگر از دیرباز بعضی از متغیرهای سنتی تأثیرگذار بر نابرابری درآمد شامل نرخ تورم، نرخ بیکاری و همچنین درجه باز بودن تجاری نیز در مطالعات صورت گرفته در سالیان اخیر مورد استفاده قرار گرفته است.^{۵۰}

46. Banerjee, and Newman, "Occupational choice", 274-298.

47. George Clarke, Lixin Colin Xu, and Heng-Fu Zou, "Finance and Income Inequality: What Do the Data Tell Us?", *Southern Economic Journal* 72 (February 2006): 578-596.

48. Klaus Deininger, and Lyn Squire, "A new development data base", *The World Bank Review* 10, no. 3 (1996): 565-591; Hongyi Li, Lyn Squire, and Heng-Fu Zou, "Explaining international and intertemporal variations in income inequality", *The Economic Journal* 108, no. 446 (February 1998): 26-43; George Clarke, Lixin Colin Xu, and Heng-Fu Zou, "Finance and income inequality: Channels and evidence", *Journal of Comparative Economics* 35, no. 4 (2003): 748-773; Thorsten Beck, Ross Levine, and Alexey Levkov, "Big bad banks? The winners and losers from bank deregulation in the United States", *Journal of Finance* 65 (September 2010): 1637-1667; Céline Gimet, and Thomas Lagoarde-Segot, "A closer look at financial development and income distribution", *Journal of Banking & Finance* 35, no. 4 (October 2011): 1698-1713.

49: Denk, and Cournède, "Finance and income inequality in OECD countries", 1-41; Seven, and Coskun, "Does financial development", 34-63.

50. John David Richardson, "Income inequality and Trade: How to think, what to conclude", *The Journal of Economic Perspectives* 9, no. 3 (February 1995): 33-55; William Easterly, and Stanley Fischer, "Inflation and the poor", *Journal of Money, Credit, and Banking* 32, no. 2 (February 2001): 160-178; James Ang, "Finance and inequality: The case of INDIA", *Southern Economic Journal* 76, no. 3 (January 2010): 738-761; Florence Jaumotte, Subir Lall, and Chris Papageorgiou, "Rising income inequality: Technology, or trade and financial globalization?", *IMF Economic Review* 61, no. 2 (June 2013): 271-309.

بنابراین با توجه به اهمیت و بررسی تأثیر متغیرهای عملکردی بانک‌ها (مانده تسهیلات و سپرده‌های بانکی) و سایر متغیرهای سنتی مورد اشاره بر نابرابری درآمد و تفکیک تأثیرات آنها روی هر یک از دهک‌های درآمدی، مدل مورد نظر این مطالعه بر اساس رگرسیون‌های کوانتایل بنا نهاده شده است. از طرف دیگر با توجه به هدف مطالعه و قلمرو مکانی استانی به‌طور مشخص از رگرسیون‌های کوانتایل با داده‌های تابلویی استفاده شده است؛ بر این اساس مدل نهایی مطالعه به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$Gini_{it} = \alpha_i + X_i\beta_t + \delta_i Y_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در معادله بالا ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته مدل است. X_i برداری از متغیرهای سنتی شامل نرخ تورم، نرخ بیکاری و حجم تجاری (مجموع صادرات و واردات) است. علاوه بر این Y_{it} برداری از متغیرهای بانکی شامل مانده تسهیلات اعطایی و سپرده‌های بانکی است. روشن است عمده منابع تسهیلات سیستم بانکی از محل سپرده‌های جذب‌شده خواهد بود. این موضوع در نسبت مانده تسهیلات (جاری و غیرجاری) به مانده سپرده‌ها (پس از کسر سپرده قانونی) در سیستم بانکی مشخص است. گزارش‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد این نسبت در سالیان اخیر در محدوده ۷۵ تا ۸۰ درصد در نوسان بوده است. در همین راستا وجود ضریب همبستگی بالا و مستقیم میان مانده تسهیلات و سپرده‌ها قابل ملاحظه خواهد بود. هدف مطالعه کنونی بررسی تأثیر مانده تسهیلات و سپرده‌ها بر نابرابری درآمدها در ۳۱ استان کشور بوده است و مشخص است که این استان‌ها به لحاظ مانده تسهیلات و سپرده‌ها و نسبت مانده تسهیلات به مانده سپرده‌ها در شرایط یکسانی قرار ندارند؛ بنابراین دو متغیر موجود در بردار Y_{it} یعنی مانده تسهیلات اعطایی و سپرده‌های بانکی در دو مدل مجزا بررسی شده است. این شیوه از یک سو می‌تواند مانع مشکلات احتمالی همخطی در برآورد مدل شود و از سوی دیگر این امکان را فراهم کند تا کمیت و کیفیت تأثیرگذاری مانده تسهیلات و سپرده‌های بانکی بر نابرابری درآمدها در ابعاد استانی و در دهک‌های مختلف درآمدی مورد مقایسه قرار گیرد. همه متغیرها در مدل بالا به صورت لگاریتم طبیعی و اندیس‌های i و t به ترتیب معرف استان‌های ایران، سال و u نیز جزو خطای مدل هستند.

۲-۴. داده‌ها

در مطالعه حاضر، جامعه آماری، داده‌های مربوط به ضریب جینی، مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها، سپرده‌های بانکی، حجم تجاری، نرخ تورم و نرخ بیکاری است. اطلاعات مزبور به صورت داده‌های ترکیبی است و از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران استخراج شده است. دوره مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۰ است. در این مطالعه از داده‌های ۳۱ استان ایران (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، البرز، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد) جهت تخمین مدل به کمک نرم‌افزار Eviews11 استفاده شده است. روش تخمین مدل مورد نظر مطالعه حاضر رگرسیون‌های چندکی یا همان کوانتایل است. روش رگرسیون کوانتایل که توسط کوانکر و باست^{۵۱} معرفی گردیده به تدریج در مطالعات اقتصادسنجی به عنوان روش جامعی برای تجزیه و تحلیل آماری مدل‌های خطی و غیرخطی متغیرهای پاسخ، در زمینه‌های مختلف تبدیل شده است. مدل اقتصادسنجی کوانتایل یا رگرسیون برای کوانتایل τ متغیر وابسته به عنوان تابع خطی از متغیرهای توضیح‌دهنده به صورت رابطه (۲ و ۳) تصریح می‌شود:

$$Y_i = X_i' \beta_\tau + U_{i\tau} \quad (۲)$$

$$Quant_\tau(Y_i | X_i) = X_i' \beta_\tau \quad (۳)$$

در رابطه (۲)، $Quant_\tau(Y_i | X_i)$ کوانتایل شرطی Y_i به شرط X_i را نشان می‌دهد که عبارت $Quant_\tau(Y_i | X_i) = 0$ را تضمین می‌کند. در رگرسیون کوانتایل، اثر متغیرهای مستقل به وسیله فرایند مینیم کردن مجموع قدر مطلق خطاها بر توزیع شرطی متغیر، تخمین زده می‌شود. برای برآورد ضرایب مدل بالا از حداقل خطاها با وزن‌دهی مناسب به صورت رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$\min \beta_\tau \left\{ \sum_{i: y_i \geq X_i' \beta_\tau} \tau |Y_i - X_i' \beta_\tau| + \sum_{i: y_i < X_i' \beta_\tau} \tau |Y_i - X_i' \beta_\tau| \right\} \quad (۴)$$

اساس رگرسیون کوانتایل بر تابع چندک شرطی استوار است که در آن یک مجموعه از قدر مطلق خطا در اشکال نامتقارن حداقل می‌شود. برآورد پارامترها در رگرسیون کوانتایل بر اساس

51. Roger Koenker, and Gilbert Bassett, "Regression quantile", *Econometrica* 46 (February 1978): 33-50.

یک تابع زیان متقارن و نامتقارن است و مشابه برآورد پارامترها در رگرسیون، کمترین توان دومها محاسبه می‌شود. رگرسیون کوانتایل بر خلاف رگرسیون معمولی از حداقل کردن مجموع قدر مطلق باقیمانده‌های موزون برای برآورد پارامترهای مدل استفاده می‌کند که به آن روش حداقل قدر مطلق انحرافات گفته می‌شود. رگرسیون کوانتایل بدون داشتن محدودیت‌های مفروضات رگرسیون معمولی یعنی واریانس ناهمسانی و حضور تأثیرگذار داده‌های دور افتاده در برآورد ضرایب، توانایی ساختن مدل برای هر نوع کوانتایل را دارد.

درواقع رگرسیون کوانتایل نسبت به داده‌های دورافتاده مستحکم است. این ویژگی ناشی از آن است که برخلاف اهمیت اندازه باقیمانده‌ها در روش حداقل مربعات معمولی، در روش کوانتایل فقط علامت باقیمانده‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین تعداد باقیمانده‌ها (انحرافاتی) که بیشتر (مثبت) یا کمتر (منفی) از کوانتایل مورد نظر هستند و نه مقدار بزرگی آنها در برآوردها اثرگذار است. در نتیجه داده‌های دورافتاده که تأثیر خود را از طریق بزرگی باقیمانده‌ها نشان می‌دهند، امکان تأثیرگذاری بر روی برآوردهای رگرسیون حداقل انحرافات مطلق را ندارند.

با استفاده از رگرسیون کوانتایل و برآورد یک خانواده از توابع چندک شرطی، شکل‌های کامل‌تری از اثر متغیرهای توضیحی در تمام قسمت‌های توزیع به دست می‌آید. درواقع رگرسیون کوانتایل زمینه نگاه دقیق و جامع در ارزیابی متغیر پاسخ و امکان دخالت متغیرهای مستقل، نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی را فراهم می‌آورد. مهم‌ترین دلیل استفاده از روش رگرسیون کوانتایل در پژوهش کنونی نیز همین قابلیت بوده است؛ چرا که مهم‌ترین هدف مطالعه برآورد و مقایسه تأثیر سپرده‌ها و تسهیلات بانکی بر نابرابری درآمد در استان‌های ایران روی دهک‌های مختلف بوده است؛ بنابراین در این مطالعه به بررسی تأثیرات مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها، سپرده‌های بانکی و سایر متغیرها بر ضریب جینی پرداخته شده است.

۵. برآورد پارامترهای الگو

با توجه به ضریب همبستگی بالا و مستقیم میان مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سپرده‌های بانکی با یکدیگر و به منظور جلوگیری از بروز مشکل احتمالی هم خطی تأثیرات این دو متغیر بر شاخص نابرابری درآمدی طی دو مرحله در دو مدل مجزا تخمین زده شده است، به طوری

که ضریب جینی^{۵۲} در هر دو مدل به عنوان متغیر وابسته و برداری از متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری درآمد با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه تجربی شامل حجم تجاری^{۵۳}، نرخ تورم^{۵۴}، نرخ بیکاری^{۵۵} در کنار مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها^{۵۶} و سپرده‌های بانکی^{۵۷} در نظر گرفته شده است. در جدول (۱) نتایج مدل اول ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج ضرایب بلندمدت مدل به روش پنل کوانتایل

Ldis1=F (Ltas, Lto, Llnf, Lune)									
متغیر	Q-reg (1)	Q-reg (2)	Q-reg (3)	Q-reg (4)	Q-reg (5)	Q-reg (6)	Q-reg (7)	Q-reg (8)	Q-reg (9)
LTas	۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۱ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۹ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۰ (۰/۰۰۱۴)	۰/۰۲۱ (۰/۰۰۷۱)
LTo	۰/۰۱۹ (۰/۰۰۳)	۰/۰۱۲ (۰/۰۵۷)	۰/۰۱۰ (۰/۰۹۱)	۰/۰۰۶ (۰/۲۰۹)	۰/۰۱۱ (۰/۰۴۷)	۰/۰۱۱ (۰/۰۴۱)	۰/۰۰۸ (۰/۱۴۸)	۰/۰۰۷ (۰/۱۹۲)	۰/۰۰۳ (۰/۷۴۴)
Llnf	۰/۰۳۹ (۰/۰۰۳)	۰/۰۲۴ (۰/۱۹۹)	۰/۰۱۸ (۰/۲۹۴)	۰/۰۲۱ (۰/۲۲۰)	۰/۰۱۹ (۰/۳۱۴)	۰/۰۱۸ (۰/۳۴۹)	۰/۰۱۷ (۰/۴۱۶)	۰/۰۱۷ (۰/۴۵۰)	۰/۰۳۵ (۰/۳۰۶)
Lune	۰/۰۳۴ (۰/۳۳۰)	۰/۰۳۷ (۰/۲۶۲)	۰/۰۱۹ (۰/۵۷۶)	۰/۰۱۱ (۰/۷۳۵)	۰/۰۳۸ (۰/۲۴۸)	۰/۰۱۲ (۰/۷۱۹)	۰/۰۱۵ (۰/۷۱۱)	۰/۰۵۶ (۰/۲۲۶)	۰/۰۲۹ (۰/۵۸۴)

اعداد داخل پرانتز معرف P-Value است.

چنان‌که نتایج و تخمین مدل کوانتایل در جدول (۱) نشان می‌دهد، رابطه‌ای مثبت و معنادار در تمام دهک‌ها بین مانده تسهیلات سیستم بانکی و نابرابری درآمدی در دوره مطالعه وجود دارد. چنان‌که ملاحظه می‌گردد در دهک‌های اول تا سوم تأثیر مانده تسهیلات بانکی بر روی نابرابری درآمدی بیشتر است و از دهک چهارم به بعد شدت تأثیرگذاری آن بر نابرابری درآمدی اندکی کاهش می‌یابد. این بدین معنا است که استان‌هایی که نابرابری درآمدی کمتری دارند از افزایش تسهیلات سیستم بانکی بیشتر آسیب می‌بینند و نابرابری درآمدی در این استان‌ها بیشتر افزایش می‌یابد. بدیهی است عدم وجود فرصت‌های یکسان برای گروه‌های مختلف جامعه برای دریافت تسهیلات از سیستم بانکی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در وضعیت درآمدی افراد داشته که در نهایت به گسترش نابرابری دامن خواهد زد. از طرفی نتایج متغیر حجم

52. dis1.

53. To.

54. Inf.

55. Une.

56. Tas.

57. Sep.

تجاری حاکی از آن است که این متغیر در تمام دهک‌ها تأثیر مثبتی بر نابرابری درآمد دارد، اگرچه به لحاظ اهمیت آماری فقط در دهک‌های اول، دوم، سوم، پنجم و ششم معنادار است و در سایر دهک‌ها معنادار نیست. همچنین در دهک‌های پایین‌تر شدت تأثیر نابرابری درآمدی بیشتر است. نرخ تورم در همه دهک‌ها مثبت و فقط در دهک نهم منفی است و به جز دهک اول در همه دهک‌ها معنادار نیست.

همان‌طور که نتایج مدل دوم در جدول (۲) نشان می‌دهد بین سپرده‌های بانکی و نابرابری درآمدی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و تأثیر سپرده‌های بانکی بر روی نابرابری درآمدی در دهک‌های اول تا چهارم بیشتر از دهک‌های پنجم تا نهم است. در اینجا نیز مشابه مدل اول، استان‌هایی که نابرابری درآمدی کمتری دارند از افزایش سپرده‌گذاری در سیستم بانکی خود آسیب بیشتری می‌بینند و نابرابری درآمدی در این استان‌ها بیشتر افزایش می‌یابد. بدیهی است ارائه سودهای حاصل از سپرده‌گذاری به افرادی که مبلغ سپرده‌گذاری آنها بسیار زیاد است، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در وضعیت درآمدی آنها خواهد داشت که در نهایت به گسترش نابرابری دامن می‌زند. در تمام دهک‌ها بین متغیر حجم تجاری و نابرابری درآمدی رابطه مثبتی در دوره مطالعه وجود دارد؛ اما فقط در دهک اول این رابطه معنادار است. چنان‌که ملاحظه می‌گردد اثر نرخ تورم بر روی نابرابری درآمدی به جز دهک نهم مثبت است و در دهک‌های اول، دوم و سوم این رابطه معنادار است؛ بنابراین نرخ تورم در دهک‌های پایین درآمدی تأثیر بیشتری دارد. تأثیر نرخ بیکاری بر روی نابرابری درآمدی در دهک‌های مختلف در این بازه زمانی معنادار نیست.

جدول (۲): نتایج ضرایب بلندمدت مدل به روش پنل کوانتایل

Ldis1=F (Ltas, Lto, Linf, Lune)									
متغیر	Q-reg (1)	Q-reg (2)	Q-reg (3)	Q-reg (4)	Q-reg (5)	Q-reg (6)	Q-reg (7)	Q-reg (8)	Q-reg (9)
Lsep	۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۱ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳۰ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۱۹ (۰/۰۰۱)	۰/۰۲۳ (۰/۰۳۱)
LTo	۰/۰۱۵ (۰/۰۲۴)	۰/۰۰۸ (۰/۱۲۱)	۰/۰۰۸ (۰/۱۰۶)	۰/۰۰۸ (۰/۰۹۲)	۰/۰۱۱ (۰/۰۳۹)	۰/۰۱۰ (۰/۰۳۶)	۰/۰۱۰ (۰/۱۱۱)	۰/۰۰۷ (۰/۲۶۱)	۰/۰۰۸ (۰/۹۳۴)
LInf	۰/۰۳۵ (۰/۰۵۱)	۰/۰۳۰ (۰/۰۹۷)	۰/۰۳۰ (۰/۰۷۷)	۰/۰۲۸ (۰/۱۱۰)	۰/۰۳۰ (۰/۱۱۵)	۰/۰۲۱ (۰/۲۸۵)	۰/۰۲۴ (۰/۲۷۵)	۰/۰۱۴ (۰/۵۴۶)	-۰/۰۳۱ (۰/۳۹۰)
Lune	-۰/۰۴۰ (۰/۲۵۴)	-۰/۰۳۵ (۰/۳۰۱)	۰/۰۰۳ (۰/۹۹۱)	۰/۰۰۶ (۰/۸۵۲)	۰/۰۳۶ (۰/۲۶۵)	۰/۰۲۴ (۰/۳۰۰)	۰/۰۲۸ (۰/۴۷۵)	۰/۰۵۰ (۰/۳۰۷)	-۰/۰۴۹ (۰/۳۵۹)

دو متغیر مانده تسهیلات و سپرده‌های سیستم بانکی که بررسی تأثیر آنها بر نابرابری درآمدها در استان‌های کشور از اهداف اصلی مطالعه کنونی بوده در دو مدل تخمین زده شده برای تمام دهک آثار مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدها نشان می‌دهند. این دو متغیر دو فاکتور عملکردی بسیار مهم در کارکردهای سیستم بانکی به حساب می‌آیند. نتایج تخمین هر دو مدل و ضرائب برآوردی این دو متغیر نشان می‌دهد که کارکردهای سیستم بانکی در حوزه سپرده‌پذیری و تسهیلات‌دهی منجر به گسترش نابرابری درآمدها در استان‌های کشور شده است. چنان‌که نتایج مدل اول و دوم نشان می‌دهد چگونگی و شدت تأثیرگذاری مانده تسهیلات و سپرده‌های بانکی بر نابرابری درآمدها در استان‌ها تا حدود زیادی به هم نزدیک هستند. این نتایج نشان می‌دهد برآورد تأثیر این دو فاکتور مهم عملکرد بانک‌ها بر نابرابری درآمدها در استان‌ها به صورت مرحله‌ای و در دو مدل مجزا ضروری بوده است. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد حتی با وجود ناهمگنی مانده تسهیلات، سپرده‌ها و نسبت مانده تسهیلات به سپرده‌های بانکی در میان استان‌های کشور، تفاوت زیادی در تأثیرگذاری آنها بر نابرابری درآمدها به لحاظ شدت تأثیرات مثبت و معناداری در دهک‌های مختلف درآمدها وجود ندارد.

از سوی دیگر یافته‌های تجربی در قالب دو مدل تخمین زده شده حاکی از آن است که نتایج با مبانی نظری عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدها مطابقت دارد. در حوزه عوامل شناخته‌شده مؤثر بر نابرابری درآمدها یعنی تورم و بیکاری، نتایج برآوردهای هر دو مدل نشان می‌دهد این دو متغیر مطابق با انتظارات موجود در مبانی نظری تأثیر مثبتی بر نابرابری درآمدها داشته‌اند. صرف نظر از تفاوت شدت تأثیرگذاری و معناداری در دهک‌های مختلف در دو مدل تخمین زده شده، تأثیرات در اکثر دهک‌ها مثبت است. این موضوع در مورد متغیر نرخ بیکاری هم تا حدود زیادی صادق است. بررسی نرخ‌های تورمی در میان استان‌های کشور در دوره مطالعه کنونی حاکی از یک ناهمگنی قابل ملاحظه میان نرخ‌های تورمی در ۳۱ استان کشور است؛ بنابراین این ناهمگنی می‌تواند یکی از دلایل معنادار نبودن در عمده دهک‌ها باشد. این موضوع در نتایج تأثیر نرخ بیکاری بر روی نابرابری درآمدها استان‌ها که در هیچ‌کدام از دهک‌ها معناداری نمی‌باشد هم مطرح است. آخرین گزارش فصلی مرکز آمار ایران پیرامون نرخ بیکاری به تفکیک استان‌های کشور حاکی از شکاف عمیق میان نرخ بیکاری استان‌ها می‌باشد؛ برای مثال نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۹۷ در محدوده ۷/۲ تا ۱۸/۷ درصد متغیر است. لذا در

اینجا نیز ناهمگنی نرخ‌های بیکاری در میان استان‌ها می‌تواند یکی از عوامل معنادار نبودن در عمده دهک‌ها باشد. با این همه حذف نرخ تورم و نرخ بیکاری به لحاظ مبانی بحث توزیع درآمد در مدل تحقیق نشان داد در نتایج کلی برآوردها بهبودی حاصل نمی‌شود.

متغیر حجم تجارت خارجی یکی از متغیرهایی است که در مطالعات پیشین کمتر تأثیرات آن بر نابرابری درآمدها در سطح استان‌های کشور مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیر حجم تجارت خارجی بر نابرابری درآمدها در سطح استان‌ها به صورت مقایسه‌ای در دو مدل تخمین زده این مطالعه نشان می‌دهد منافع حاصل از تجارت خارجی در سطح استان‌ها به گونه‌ای توزیع می‌شود که منجر به گسترش نابرابری درآمدها می‌شود. اگرچه تأثیر این متغیر بر نابرابری درآمدها در تمام دهک‌ها مثبت است، لیکن در تمام دهک‌ها معنادار نیست.

۶. نتیجه‌گیری

در مبانی مداخله دولت‌ها در نظام‌های اقتصادی، یکی از وظایف مهم دولت تلاش برای توزیع مناسب‌تر درآمدها میان اقشار مختلف است. در واقع در کنار رشد اقتصادی مناسب و پایدار جلوگیری از افزایش نابرابری درآمد و شکل‌گیری نابرابری درآمدی عمیق نیز از وظایف دولت‌ها به شمار می‌آید. چگونگی تأثیرگذاری سیستم مالی بر فرایند رشد اقتصادی ملل مختلف همواره در کانون توجه محققان و سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. سیستم مالی از دو بال بازار پول و بازار سرمایه تشکیل می‌شود. تاکنون در هر دو زمینه و چگونگی تأثیرگذاری توسعه سیستم مالی بر فرایند رشد اقتصادی مطالعات گسترده و متنوعی در سطوح داخلی و بین‌المللی انجام شده است. با این همه در زمینه‌های تأثیرات توسعه سیستم مالی بر نابرابری درآمدها به مراتب مطالعات کمتری صورت گرفته است. در ایران بانک‌محور بودن سیستم مالی از یک سو و بهره‌مندی اقشار محدودی از جامعه از بخش عمده‌ای از منافع ناشی از کارکردهای سیستم بانکی از ابعاد تسهیلات و سپرده‌گذاری از سوی دیگر باعث شده این پرسش اساسی مطرح شود که تسهیلات و سپرده‌ها در سیستم بانکی چه تأثیری بر نابرابری درآمدها داشته است؟ بر این اساس هدف اصلی مقاله کنونی پاسخ به این پرسش بوده است. بدین منظور در مطالعه حاضر از رگرسیون‌های کوانتایل به عنوان یکی از روش‌های مناسب در حوزه مباحث نابرابری درآمدها در اقتصاد سنجی استفاده شده است. مدل مورد نظر مطالعه نیز با تکیه بر تئوری‌های

اقتصادی موجود و پیشینه تحقیق، در راستای ارزیابی چگونگی تأثیرگذاری تسهیلات و سپرده‌های سیستم بانکی بر نابرابری درآمدها در دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ با استفاده از پنل کوانتایل در ۳۱ استان ایران برآورده شده است.

نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری در تمام دهک‌ها بین مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سپرده‌های بانکی و نابرابری درآمدی در دوره مطالعه وجود دارد. این نتایج با مطالعات دنوفیرو و همکاران،^{۵۸} مالینن،^{۵۹} دنک و کورناد،^{۶۰} مهرگان و خوش‌اخلاق^{۶۱} و علیقلی^{۶۲} مطابقت دارد. در محدوده مطالعات داخلی در حوزه بررسی تأثیرگذاری توسعه مالی بر نابرابری درآمدی در ایران به صورت استانی از متغیرهایی نظیر نسبت اعتبارات داده‌شده بخش بانکی به شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی به GDP استفاده شده است.

مطالعه رفعت و جزئی‌زاده^{۶۳} یکی از این مطالعات است که با استفاده از تخمین‌زننده‌های ساده میکروپنل‌ها تأثیر منفی گسترش واسطه‌های مالی (توسعه مالی) بر ضریب جینی استان‌ها و نابرابری درآمدی را تأیید کرده‌اند. نتایج مطالعه کنونی با این مطالعه مطابقت ندارد. هرچند در پژوهش کنونی متغیر مانده تسهیلات بانک‌ها در استان‌ها مانده کل است و محدود به اعتبارات داده‌شده به شرکت‌ها و مؤسسات بخش خصوصی نبوده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد وقتی از تخمین‌زننده‌هایی که تنها در مرکز ثقل داده‌ها، نه در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی استفاده می‌شود، این امکان وجود دارد تا نتایج متفاوت باشد. در واقع بررسی این تفاوت‌ها انگیزه اصلی در استفاده از پنل کوانتایل در مطالعه حاضر است تا بتوان آثار توسعه کارکردهای بانکی بر نابرابری درآمدی در استان‌ها را صرف نظر از مرکز ثقل داده‌ها به تفکیک دهک‌های مختلف مقایسه و ارزیابی کرد. طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ با توجه به وجود نرخ بهره واقعی مثبت قابل ملاحظه برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها، نسبت بالایی

58. D'Onofrio et al, "Banking development, socioeconomic structure", 428-451.

59. Malinen, "Does income inequality contribute to credit cycles?", 65-68.

60. Denk, and Cournède, "Finance and income inequality in OECD countries", 1-41.

۶۱. مهرگان، و خوش‌اخلاق، «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، ۱۱۹-۱۹۳.

۶۲. علیقلی، «تأثیر تسهیلات بانکی اعطاشده»، ۶۷-۸۳.

۶۳. ن.ک: بتول رفعت، و الهه جزئی‌زاده، «بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران»، فصلنامه

پژوهش‌های اقتصادی ۱۶ (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۲۹-۴۶.

از حجم نقدینگی سیستم بانکی در قالب سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها بوده و سودهای هنگفتی به صاحبان سپرده‌ای با مبالغ بالا پرداخت شده است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی همین سال‌ها نابرابری درآمد و مشخصاً ضریب جینی به‌طور متناوب و به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است؛ بنابراین چنانچه حفظ دستاورد فاصله طبقاتی کمتر نسبت به کشورهای منطقه مورد توجه سیاستگذار اقتصادی باشد، لازم است در اصلاح نظام بانکی، کاهش تأثیرگذاری فاکتورهای عملکردی بانک‌ها و تسهیلات و سپرده‌های سیستم بانکی بر توزیع نابرابری درآمد دقت نظر بیشتری صورت گیرد.

علاوه بر این، نتایج نشان داد تأثیر حجم تجاری بر روی نابرابری درآمد مثبت و معنادار است. این نتایج با تحقیقات انگ، رهی و کیم، هیشن و همکاران مطابقت دارد.^{۶۴} در این راستا دولت می‌تواند با سیاستگذاری‌های هدفمند در توزیع منافع حاصل از تجارت خارجی میان کارگزاران اقتصادی زمینه بهبود توزیع نابرابر درآمدها را فراهم کند. از سوی دیگر در سطوح استانی توجه دادن شرکت‌ها و مؤسسات بخش خصوصی که در بازارهای بین‌المللی فعالیت دارند، به نقش اجتماعی آنها در استانی که در آن واقع شده‌اند توسط متولیان مربوطه بسیار بااهمیت خواهد بود.

در مورد تأثیرگذاری متغیرهای سنتی و شناخته‌شده مؤثر بر توزیع نابرابر درآمدها از قبیل نرخ تورم و نرخ بیکاری نیز نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نرخ تورم روی دهک اول درآمدی تأثیر مثبت و معنا دارد و نرخ بیکاری تأثیر معناداری بر توزیع درآمد نشان نمی‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد پایین‌ترین دهک درآمدی جامعه در استان‌های کشور به لحاظ تأثیرپذیری از تورم و ایجاد فاصله طبقاتی با دهک‌های بالا آسیب‌پذیر است. در زمینه تأثیرگذاری افزایش تورم بر نابرابری درآمد نتایج این مطالعه با تحقیقات کلارک و همکاران و انگ مطابقت دارد.^{۶۵} به نظر می‌رسد برخی سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در سالیان اخیر از قبیل پرداخت یارانه‌های مستقیم و تخصیص ارز به نرخ ترجیحی برای تأمین کالاهای اساسی در محیط اغلب تورمی اقتصاد

64. Ang, "Finance and inequality", 738-761; Rhee, and Kim, "Does income inequality lead to banking crises", 1043-1056; Hsieh et al, "Financial Structure", 450-466 .

65. Clarke et al, "Finance and income inequality", 748-773; James Ang, "Finance and Inequality: The Case of India", *Working Paper Series* (2008): 1-25.

ایران نتوانسته مانع افزایش نابرابری درآمدها به‌ویژه از طریق فقیرترشدن پایین‌ترین دهک درآمدی گردد؛ بنابراین چنانچه سیاستگذار اقتصادی در کوتاه‌مدت کاهش نرخ‌های تورمی فزاینده به عنوان یکی از راه‌حل‌های پایدار برای کاهش نابرابری درآمدها در کشور را مقدور نمی‌داند، اعمال سیاست‌های حمایتی هدفمند واقعی با تمرکز بر دهک‌های پایین درآمدی پس از بازنگری دقیق سیاست‌های اعمال‌شده پیشین توصیه می‌شود.

سیاهه منابع

الف - فارسی:

- ابونوری، اسماعیل، علی سوری، و محبوبه فراحتی. «ارتباط میان بیکاری، توزیع درآمد و تقاضای موثر در ایران، رهیافت SVAR پسا کینزینی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی ۸، شماره ۲۹ (۱۳۹۶): ۱-۲۰.
- اشرفی‌پور، محمدعلی. «اثرات توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمدی در ایران»، اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، (۱۳۹۱): ۲۴-۳۳.
- افشاری، زهرا، و سمانه بیک‌زاده. «توسعه مالی، نابرابری درآمدی و فقر در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت دانشگاه الزهراء ۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۹-۲۸.
- ایدزخواستی، حجت. «تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران ۱۴، شماره ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۳۹۷): ۳۰-۵۰.
- پیرائی، خسرو، و نفیسه بلیغ. «رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ۱۵ (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴): ۱۰-۲۱.
- جابری خسروشاهی، نسیم، محمدرضا محمدوند ناهیدی، و داود نوروزی. «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی ۲، شماره ۶ (بهار ۱۳۹۱): ۱۷۳-۲۰۸.
- دادگر، یدالله، و زهرا نیک‌نعمت. «کاربرد مدل EDA در ارزیابی کارایی واحدهای اقتصادی، مطالعه موردی سرپرستی بانک تجارت»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ۴، شماره ۷ (بهار و تابستان ۱۳۸۶): ۵۴-۱۱.
- دهمدره، نظر، و زینب شکری. «اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ۱۸، شماره ۵۴ (تابستان ۱۳۸۹): ۱۴۷-۱۶۴.
- دیجی، منیره، و محدثه آهنگری گرگری. «تأثیر و توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه اقتصادی و مالی توسعه ۹، شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۷۵-۱۰۴.
- رفعت، بتول، و الهه جزئی‌زاده. «بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ۱۶ (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۴۶-۲۹.
- علیقلی، منصوره. «تأثیر تسهیلات بانکی اعطاشده به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۹، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۶): ۶۷-۸۳.
- مهرگان، نادر، و مهدی خوش‌اخلاق. «اثر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)»، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۶ (۱۳۹۵): ۱۹۳-۱۱۹.
- مولانا، سیدمسیح، سیدعباس نجفی‌زاده، غلامعلی حاجی، و احمد سرلک. «نقش توسعه مالی در کاهش فقر ایران با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)»، نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی ۱۱، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۲۷-۱۵۸.

ب- لاتین:

- Aghion, Philippe, and Patrick Bolton. "A theory of trickle-down growth and development", *Review of Economic Studies* 64 (January 1997): 151-172.
- Altunbas, Yener, and John Thornton. "The impact of financial development on income inequality: A quantile regression approach", *Economics Letters* 175, (December 2018): 51-56.
- Ang, James. "Finance and inequality: The case of INDIA", *Southern Economic Journal* 76, no. 3 (January 2010): 738-761.
- Ang, James. "Finance and Inequality: The Case of India", *Working Paper Series* (2008): 1-25.
- Baiardi, Donatella, and Claudio Morana. "Financial development and income distribution inequality in the euro area", *Economic Modelling* 70 (November 2018): 40-55.
- Banerjee Abhijit, and Andrew F. Newman. "Occupational choice and the process of development", *Journal of political economy* 101, no. 2 (February 1993): 274-298.
- Beck, Thorsten, Ross Levine, and Alexey Levkov. "Big bad banks? The winners and losers from bank deregulation in the United States", *Journal of Finance* 65, (September 2010): 1637-1667.
- Canavire-Bacarreza, Gustavo, and Felix Rioja. "Financial development and the distribution of income in Latin America and the Caribbean", *Discussion Paper Series*, no. 3796 (November 2008).
- Clarke, George, Lixin Colin Xu, and Heng-Fu Zou. "Finance and income inequality: Channels and evidence", *Journal of Comparative Economics* 35, no. 4 (2003): 748-773.
- Clarke, George, Lixin Colin Xu, and Heng-Fu Zou. "Finance and Income Inequality: What Do the Data Tell Us?", *Southern Economic Journal* 72, (February 2006): 578-596.
- D'Onofrio, Alexandra, Raoul Minetti, and Pierluigi Murro. "Banking development, socioeconomic structure and income inequality", *Journal of Economic Behavior & Organization* 157, (January 2019): 428-451.
- Deining, Klaus, and Lyn Squire. "A new development data base", *The World Bank Review* 10, no. 3 (1996): 565-591.
- Denk, Oliver, and Boris Cournède. "Finance and income inequality in OECD countries", *OECD Economics Department Working* 42 (January 2015): 1-41.
- D'Onofrio, Alexandra, and Pierluigi Murro. "Local banking development and income distribution across Italian provinces", *International Journal of Economics and Finance* 4, no. 3 (November 2013): 58-71.
- Easterly, William, and Stanley Fischer. "Inflation and the poor", *Journal of Money, Credit, and Banking* 32, no. 2 (February 2001): 160-178.
- Galor, Oded, and Joseph Zeira. "Income distribution and macroeconomics", *The Review of Economic Studies* 60, no. 1 (1993): 35-52.

- Gimet, Céline, and Thomas Lagoarde-Segot. "A closer look at financial development and income distribution", *Journal of Banking & Finance* 35, no. 4 (October 2011): 1698-1713.
- Greenwood, Jeremy, and Boyan Jovanovic. "Financial development, growth, and the distribution of income", *Journal of Political Economy* 98, no. 5 (February 1990): 1076-1107.
- Hsieh, Joyce, Ting-Cih Chen, and Shu-Chin Lin. "Financial Structure, Bank Competition and Income Inequality", *The North American Journal of Economics and Finance* 48, (March 2019): 450-466.
- Jauch, Sebastian, and Sebastian Watzka. "Financial development and income inequality: A panel data approach", *Empirical Economics* 51, no. 1 (July 2016): 291-314.
- Jaumotte, Florence, Subir Lall, and Chris Papagerogiou. "Rising income inequality: Technology, or trade and financial globalization?", *IMF Economic Review* 61, no. 2 (June 2013): 271-309.
- Kavya, Balakrishnan, and Shijin Santhakumar. "Economic development, financial development, and income inequality nexus", *Borsa Istanbul Review* 20, no. 1 (January 2019): 2214-8450.
- Koenker, Roger, and Gilbert Bassett. "Regression quantile", *Econometrica* 46, (February 1978): 33-50.
- Kuznets, Simon. "Economic growth and income inequality", *The American Economic Review* 45, (July 2019): 1-28.
- Levine, Ross. "Finance and growth: Theory and evidence", *Handbook of Economic Growth* 1, (January 2005): 865-934.
- Lewis, Arthur R. William. "Economic development with unlimited supplies of labor", *Manchester School* 22, (January 1954): 139-191.
- Li, Hongyi, Lyn Squire, and Heng-Fu Zou. "Explaining international and intertemporal variations in income inequality", *The Economic Journal* 108, no. 446 (February 1998): 26-43.
- Malinen, Tuomas. "Does income inequality contribute to credit cycles?", *Economics Letters* 134, (September 2013): 65-68.
- Rajan, Raghuram, and Luigi Zingales. "The great reversals: the politics of financial development in the twentieth century", *Journal of Financial Economics* 69, no. 1 (July 2003): 5-50.
- Ravallion, Martin. "Growth, Inequality and Poverty: Looking beyond Average", *World Development* 29, no. 11 (November 2001): 1803-1815.
- Rhee, Dong-Eun, and Hyoungjong Kim. "Does income inequality lead to banking crises in developing countries? Empirical evidence from cross-country panel data", *Journal of Policy Modeling* 41, no. 6 (March 2019): 1043-1056.
- Richardson, John David. "Income inequality and Trade: How to think, what to conclude", *The Journal of Economic Perspectives* 9, no. 3 (February 1995): 33-55.

- Schumpeter, Joseph. *The theory of economic development*. Cambridge: Harvard University Press, 1911.
- Sedghi Moradi, Zeynab, Mohammadreza Mirzaeenejad, and Gholamreza Geraeenejad. "Effect of Bank-Based or Market-Based Financial Systems on Income Distribution in Selected Countries, 1st International Conference on Applied Economics and Business, ICAEB 2015", *Procedia Economics and Finance* 36, (December 2016): 510 – 521.
- Seven, Unal, and Yener Coskun. "Does financial development reduce income inequality and poverty? Evidence from emerging countries", *Emerging Markets Review* 26, (February 2016): 34–63.
- Uddin, Gazi Salah, Muhammad Shahbazi, Arouri Mohamed, and Frederic Teulon. "Financial Development and Poverty reduction nexus: A conintegration and causality analysis in Bangladesh", *Economic Modeling*, no. 36 (January 2014): 405-412.